# 941202-710

**‌‌‌‌‌یک‌شنبه – جلسۀ 84**

**أعوذ باللّه من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم الحمد للّه ربّ العالمین و صلّی اللّه علی سیّدنا محمّد و آله الطاهرین سیّما بقیّة اللّه في الأرضین و اللعن علی أعدائهم أجمعین.**

قبل از این‌که وارد مسئله جدید بشویم یک نکته از بحث دیروز مانده عرض کنم.

راجع به تقدیم طواف و سعی بر وقوفین که آقای سیستانی تمایل داشتند بفرمایند اگر از روی جهل بوده مجزی هست، عرض کردیم این تفصیل بین جاهل و عالم برای ما مشخص نیست.

ممکن است ایشان به قاعده السنة لاتنقض الفریضة تمسک بخواهد بکند. کانه ترتیب و این‌که طواف و سعی بعد از وقوفین باید باشد این جزء سنت است یعنی در قرآن کریم نیامده است و کبری السنة لاتنقض الفریضة اقتضاء می‌کند اخلال به آن شرائطی که در قرآن نیامده عن عذرٍ مبطل فریضة نباشد.

که ما عرض کردیم که اگر این کبری هم منبطبق بود ایشان خصوص جاهل قاصر آن هم جاهل قاصر غیر متردد، جاهل قاصری که فکر می‌کند عملش را صحیح انجام می‌دهد فقط حدیث السنة لاتنقض الفریضة شامل او می‌شود و نه جاهل مقصر و یا جاهل قاصر متردد حال العمل که نمی‌داند چه بکند وظیفه‌اش چیست؛ اختیار می‌کند تقدیم طواف و سعی را بر وقوفین رجاءً و احتیاطا.

اشکال دیگری که مطرح هست این است که ما در بحث فقه طهارت عرض کردیم که اخلال به ترتیب اخلال به فریضه است نه اخلال به سنت.

توضیح ذلک:

اگر کسی در نماز بعد از سجدتین رکوع بجا بیاورد اشتباها نسیانا او جهلا قصوریا، بحث است که آیا حدیث لاتعاد شاملش می‌شود یا نه؟

آقای خوئی فرمودند که این تابع یک مسئله‌ای است؛ و آن این است که آیا اخلال به شرائط ارکان مثل اخلال به شرائط سجود و رکوع، اخلال به رکن حساب می‌شود یا اخلال به رکن حساب نمی‌شود؟ مثلا اگر کسی سجده کرد بر ما لایصح السجود علیه یا بر مکان نجس، آیا السنة لاتنقض الفریضة یا لاتعاد الصلاة الا من خمس تصحیح می‌تواند بکند این نماز را یا نه؟

آقای خوئی فرمودند به نظر ما نمی‌تواند تصحیح بکند این نماز را کبری لاتعاد یا السنة لاتنقض الفریضة. چرا؟ برای این‌که ظاهر لاتعاد الصلاة الا من خمس الرکوع و السجود و الوقت و القبلة و الطهور این است که السجود المأموربه،‌ الرکوع المأموربه و این ‌آقا اخلال ورزید به رکوع ماموربه و سجود ماموربه. سجود واجد شرائط را این آقا بجا نیاورد.

بعد نقض می‌کند ایشان. می‌فرماید کسانی که می‌گویند اخلال به سجود عرفی مبطل نماز هست و این آقا اخلال به سجود عرفی نکرده که این نظر مرحوم استاد ما هم هست، این‌ها باید ملتزم بشوند به یک نقضی. و آن این است که اگر کسی سجدتین را قبل از رکوع بجا بیاورد بگویند حدیث لاتعاد شاملش می‌شود در حالی که به این فقهاء ملتزم نشدند چون ذات سجود را که آورده ذات رکوع را هم که آورده جابجا کرده. شرط ترتیب را مختل کرده. شرط ترتیب مقوّم رکوع و سجود عرفی نیست؛ مقوّم رکوع و سجود شرعی است. این را ایشان به عنوان نقض ذکر کرده.

ما جواب دادیم از این نقض. چون ما هم به ذهن‌مان می‌آید که آنی که مستثنی هست از حدیث لاتعاد ذات سجود است؛ ذات رکوع است؛ ذات فریضة است نه شرائط آن‌که در قرآن کریم و تشریع الهی بیان نشده است. و این آقا به ذات سجود خلل نورزید. سجد کرد به مکان نجس سهوا او نسیانا. از این نقض آقای خوئی جواب می‌دهیم. می‌گوییم عرفا کسی که رکوع را قبل از سجدتین نیاورد بعد از سجدتین بیاورد اخلال ورزیده است به رکوع. اخلال به رکوع عرفا همین مقدار در آن کافی است که در محل مقرر رکوع، رکوع را نیاوریم. چهار تا رکوع در رکعت اول می‌آورد سهوا او جهلا. سه رکعت دیگر نماز ظهرش بی رکوع است. این اخل بالرکوع عرفا. فرق می‌کند با این‌که شرائط شرعی رکوع و سجود را مختل کند سهوا او نسیانا او جهلا؛ سجود کند بر موضع نجس. آنجا اخلال به سجود عرفا نکرده.

آقای سیستانی یک مقدار کلام‌شان مشتبه است. در بحث غسل جنابت پذیرفتند که اخلال به ترتیب بین سر و گردن و سائر بدن سنت است. و السنة لاتنقض الفریضة. اخلال به این شرط از روی جهل قصوری یا نسیان مبطل غسل جنابت نیست. این را ایشان دارد. سال‌ها کسی غسل می‌کرد. سر و گردن و بدنش را با هم می‌شست. ظاهر کلام ایشان این است که این غسل مشمول السنة لاتنقض الفریضة است و ایشان نظر فقهی‌شان این است که این غسل صحیح است. ولی در نماز این را نفرموده که اگر کسی بعد از نماز ملتفت بشود که رکوعش بعد از سجدتین بوده این نمازش صحیح است یا صحیح نیست؟

اگر بگویند صحیح است این اشکال به ایشان وارد می‌شود که اخلال به رکوع عرفا صادق است بر کسی که رکوع را در موطن خودش نیاورد؛ جای دیگر بیاورد. و طبق این اشکال السنة لاتنقض الفریضة در تقدیم الطواف علی الوقوفین جاری نمی‌شود؛ چون ترک طواف در موطن خودش اخلال به طواف است عرفا. مثل ترک رکوع در محل شرعی خودش.

و این هم اشکال دیگری است بر تطبیق السنة لاتنقض الفریضة بر جابجا کردن طواف و سعی. ولی ایشان در غسل جنابت السنة لاتنقض الفریضة را جاری کرده. و اگر طبق آن مبنا پیش برویم اینجا هم باید جاری کند در بحث تقدیم طواف و سعی علی الوقوفین عند الجهل القصوری او النسیان. ترک کند کسی غسل جزئی از بدن را می‌شود اخلال به رکن. ما می‌گوییم اخلال به رکن همین است که در جای خودش این را بجا نیاوریم. چطور اگر رکوع را می‌گذاشت بعد از سجدتین بجا می‌آورد یا رکعت اول چهار تا رکوع می‌کرد سهوا سه رکعت بعد را هیچ رکوع نمی‌کرد شما می‌گفتید اخل بالرکوع؛ و الا باید نقض آقای خوئی را می‌پذیرفتید.

عدم الاتیان بالرکوع فی محله این اخلال به رکوع است عرفا. فرق می‌کند با اخلال به شرائط شرعی رکوع و سجود. آن همان‌طور که مرحوم استاد فرمودند اخلال به رکوع و سجود عرفی نیست. اما در غسل جنابت غسل جمیع الجسد فریضة است از جمله غسل رأس الرقبة. و روایات برای غسل رأس الرقبة محل قرار داده؛ قبل غسل سائر الجسد. کما این‌که برای رکوع محل قرار داده که قبل از سجدتین باشد. اگر بگویید شما: اتیان به رکوع بعد از سجدتین اخلال به فریضه نیست آن وقت توجیه می‌شود کلام‌تان در غسل جنابت که اتیان به غسل رأس الرقبة بعد از غسل سائر الجسد هم سهوا او جهلا قصوریا اخلال به فریضه نیست.

[سؤال: ... جواب:] چه فرق هست بین غسل رأس الرقبة و غسل سائر الجسد با رکوع و سجود؟ ... رکوع فریضه است؛ اما این‌که باید قبل از سجود باشد که در قرآن نیامده. ... و ان کنتم جنبا فاطهروا أی اغتسلوا؛ اغتسلوا یعنی اغسلوا جسدکم غسلا کاملا. پس غسل رأس الرقبة هم جزء الفریضة است. ... دقت کنید! چه فرق است بین غسل رأس الرقبة و رکوع؟ غسل رأس الرقبة فریضه است. و لذا اگر کسی اصلا نشورد جزئی از رأس الرقبة را غسلش باطل است. ... غسل رأس الرقبة واجب است یا واجب نیست؟ قطعا واجب است و فریضه هم هست. بالاخره این فریضه است. اما ترتیب بین غسل رأس الرقبة و سائر جسد در روایات بیان شده. کما این‌که ترتیب بین رکوع و سجود که رکوع قبل از سجود باشد در روایات بیان شده. اگر شما کبری السنة لاتنقض الفریضة را تطبیق می‌کنید بر غسل جنابت که رأس الرقبة را بعد از سائر جسد شست یا هم‌زمان شست، خب در نماز هم باید تطبیق کنید این کبری را بر اتیان به رکوع بعد از سجدتین سهوا او جهلا. چه فرق می‌کند؟ ... ما که فرقی نمی‌فهمیم بین این دو مثال. ... قرآن گفته و ارکعوا. قرآن گفته و اسجدوا. خود روایات که می‌گوید رکوع و سجود فریضه است. بحث در این است که ترتیب بین رکوع و سجود که در قرآن که نیامده. کما این‌که ترتیب بین غسل رأس الرقبة و سائر جسد در قرآن نیامده. شما در غسل رأس الرقبة و غسل سائر جسد در غسل جنابت کبری السنة لاتنقض الفریضة را تطبیق کردید؛ گفتید که این ترتیب چون در قرآن نیامده پس فریضه است اخلال به آن عن عذر مبطل فریضه نیست مبطل غسل جنابت نیست. ولی در نماز این را ندارید که اخلال به ترتیب بین رکوع و سجود این هم اخلال به فریضه نیست. و به نظر ما عرفا تقدیم و تاخیر در ارکان اخلال به فریضه است؛ عرفا. یعنی کسی که در جایگاه خودش رکوع نیاورد بگذارد بعد از سجدتین رکوع بکند، می‌گویند اخلّ بالرکوع. اخل بالسجود؛ اگر این آقا بجای دو سجده در هر رکعت فقط بیاید چهار سجده در رکعت اول بکند در رکعت دوم هم یادش برود سجدتین نماز تمام بشود. بگوید الحمدلله ما چهار تا سجده آوردیم در این نماز؛ فقط جایش را عوض کردیم. عرفا می‌گویند تو اخلال کردی به سجود. ... اما اگر سجده کند بر مکان نجس نمی‌گویند اخلال کردی به سجود. ... ما در غسل هم این شبهه را داریم که اگر کسی سر و گردنش را بعد از بقیه جسد بشورد اخل بالفریضة؛ چون فریضه غسل رأس الرقبة است و غسل سائر الجسد چون محل مقرر دارد شرعا و لو این در روایات بیان شده. در محل مقرر نیاورید اخلال کردید به این فریضه. و الا در نماز هم باید همین را که آقای خوئی به عنوان نقض مطرح کرد ملتزم بشوید. بعید است که اجماع تعبدی باشد در مسئله نماز. عرفا لاتعاد الصلاة الا من خمس الرکوع و السجود می‌گویند آقا! اینجاها اخلال به رکوع است عرفا. نه این‌که اخلال به ترتیب است بین رکوع و سجود.

و لذا کسی که بعد از رکوع یادش می‌آید حمد و سوره را نخوانده می‌گویند تو اخلال کردی به قرائت. نمی‌گویند اخلال کردی به ترتیب. و الا اگر می‌گفتند اخلال کردی به ترتیب باید بعد از این‌که از رکوع بلند شد حمد و سوره بخواند.

[سؤال: ... جواب:] می‌گویم عرفا ترک قرائت قبل از رکوع اخلال به قرائت است نه اخلال به ترتیب. اخلال به رکوع قبل از سجود و لو بعدش رکوع را بیاوری عرفا اخلال به رکوع است. و الا به قول ایشان بعد از این‌که یادش آمد رکوع را ترک کرده در رکعت اولی در رکعات اخیره یک رکوع اضافه می‌کند می‌گوید این رکوع بجای همان رکوع رکعت اول. ترتیبش را خراب کردم اصل رکوع را که خراب نکردم. آوردم. بسم الله.

و لذا السنة لاتنقض الفریضة بر جابجا کردن طواف و سعی از محل مقرر شرعی‌شان، این عرفی نیست. طواف وسعی حج را بیاید جابجا کند،‌ اعمال دیگر را جابجا کند،‌ بگوید من فقط ترتیب را بهم زدم عن جهل او نسیان، اصل این ارکان را آوردم، این به نظر ما عرفی نمی‌آید.

[سؤال: ... جواب:] چه فرق می‌کند؟ ... فرقش چیه که رکوع را بعد از سجدتین بیاورد سهوا، سجدتین را قبل از رکوع بیاورد سهوا یا طواف و سعی را قبل از وقوفین بیاورد سهوا او جهلا؟ چه فرق می‌کند؟

[سؤال: ... جواب:] استقلالی در کار نیست. مرکب ارتباطی است. این‌ها هم واجبات ضمنیه این مرکب ارتباطی هستند که نامش حج است.

مسئله 414: من طرء علیه العذر فلم‌یتمکن من الطواف، کسی که بعد از رجوع از منی عاجز باشد از طواف و نتواند صبر کند تا قدرت پیدا کند بر مباشرت طواف لزمته الاستنابة للطواف. حالا برای سعی اگر زنی باشد که حائض شده یا نفاس شده برای سعی که دیگه مشکل ندارد؛ خودش سعی می‌کند. طوافش را نائب می‌گیرد.

مسئله روشن است. روایات هم می‌گفت: من لایستطیع ان یطوف یطاف عنه؛ و این شامل مقام می‌شود.

البته یک نکته‌ای هست عرض کنم:

بعضی از آقایان از جمله آقای سیستانی در عمره مفرده گفتند اگر زنی می‌داند برود مکه این چند روزی که در مکه هست حیض است، مجبور می‌شود نائب بگیرد برای طواف، گفتند مشکل است این کارش. نه این‌که احرامش صحیح نیست؛ احرامش صحیح است؛ خروجش از این احرام با استنابه مشکل هست. پس چه بکند؟ احتیاط واجب این است که بر احرام خود بماند اگر می‌تواند در مکه بماند. نمی‌تواند، برگردد به وطنش با حال احرام. بعد از پاک شدن از حیض سفر مجددی بکند به مکه؛ خودش طواف را مباشرةً انجام بدهد. فی الخروج عن الاحرام بالاستنابة اشکال.

[سؤال: ... جواب:] چرا محرم شد عالما عامدا؟ ... نه؛ فرض این است که زنی که می‌داند. ... حالا زنی که می‌داند که حیض هست در اثناء عمره مفرده. حالا ایشان این‌طور فرمودند فی خروجها عن الاحرام بالاستنابة اشکال.

آقای زنجانی هم نظرشان همین است. همین احتیاط واجب را حالا ظاهرا ایشان احتیاط واجب می‌کنند فتوی نمی‌دهند. همین را دارند که فی خروجها عن الاحرام بالاستنابة للطواف اشکال.

ولی در حج این را نفرمودند. در حج آقای سیستانی دارند که نه؛ اینجا اشکال ندارد؛ اگر می‌داند این زن که در ایام طواف حائض است.

حتی بعضی‌ها می‌گویند ما قبل و بعد وقوفین حائضیم. چرا؟ برای این‌که این‌ها مثل ایرانی‌ها که نیستند که بیایند یک ماه در مکه و مدینه بمانند. روز ششم می‌آید مکه. تا روز دوازدهم فوقش سیزدهم؛ می‌شود هفت روز هشت روز. بعضی از زن‌ها می‌گویند ما کل این مدت را می‌دانیم حائضیم. چه بکنیم؟ اینجا که معنا ندارد تقدیم کنند طواف را بر وقوفین؛ چون قبل و بعد یکی است؛ حیض هستند.

آقای خوئی فرموده نائب می‌گیرند برای طواف.

اشکال این است که آقای خوئی فرقی هم بین حج و عمره نگذاشتند. ولی آقای سیستانی بین عمره و حج فرق گذاشتند. می‌خواهیم ببینیم ما الفرق بینهما؟ اگر دلیل استنابه زنی که حائض است نسبت به طواف که نائب برایش طواف بجا بیاورد اطلاق دارد، شامل این فرض علم به استمرار حیض می‌شود. چه فرق می‌کند بین عمره مفرده و حج؟ اگر اطلاق ندارد پس چرا شما در حج فرمودید که با این‌که می‌داند این زن که در مدت حج حائض است جائز است که محرم بشود به احرام حج و نائب می‌گیرد برای طواف. این وجهش برای ما روشن نیست که تفصیل داده ایشان بین عمره مفرده و حج.

ما بعید نمی‌دانیم اطلاق داشته باشد ادله. دلیلی که روایاتی که راجع به مریض هست: المریض یطاف عنه؟ قال نعم اذا کان لایستطیع (صحیحه حریز) اطلاق دارد. و لو این مریض از اول می‌داند که مریض است و لایتمکن من الطواف، یطاف عنه. عرفا الغاء خصوصیت می‌شود از مریض به زنی که عذر شرعی دارد؛ حائض است.

[سؤال: ... جواب:] المریض یطاف عنه؟ قال نعم اذا کان لایستطیع. ... بنده که یادم نیست شما به من نسبت می‌دهید حالا آنجا اشکال کردم. ولی امروز که اشکال نمی‌کنم. ... اطلاق دارد. المریض یطاف عنه اذا کان لایستطیع. ... بحث در حج واجب فقط نیست. و لو حج مستحب، عمره مفرده‌ای که مستحب است. ... زنی می‌داند این چند روز که در مکه هست حائض است. بگوییم حج نرو؟ عمره مفرده نرو؟ این مثل این می‌ماند که به آن مریضی که می‌داند نمی‌تواند طواف کند در این سفر حج یا عمره و مجبور است نائب بگیرد بگوییم حج نرو عمره نرو. این خلاف صحیحه حریز است. ... راجع به مریض هست: سألته عن رجل یطاف به و یرمی عنه قال اذا کان لایستطیع. در روایاتی داریم راجع به مریض مغلوب یطاف عنه. مریض مغلوب یعنی مریضی که لایقدر علی الطواف.

عرفا الغاء خصوصیت می‌شود از این مریضی که لایقدر علی الطواف یطاف عنه به این زنی که عذر شرعی دارد. و الا اگر الغاء خصوصیت نکنیم چه فرق است بین عمره مفرده و حج؟ در عمره مفرده می‌گویید زنی که می‌داند حیض هست در مدت بقاء در مکه نباید محرم بشود به حج و اگر محرم شد به این عمره مفرده فی خروجها عن الاحرام بالاستنابة للطواف اشکال. خب همین مطلب اگر درست بشود در حج هم هست.

[سؤال: ... جواب:] من به نظرم این روایات ظهورش و لو به ضم الغاء‌ خصوصیت خوب است. صحیحه حریز: المریض المغلوب یرمی عنه و یطاف عنه. المبطون یرمی و یطاف عنه و یصلی عنه. ... این‌که المریض المغلوب عنه یرمی عنه و یطاف عنه از کجا می‌گویید این درحج است؟ یرمی عنه در حج است. یطاف عنه چه اختصاصی دارد به حج؟

مسئله 415:

در مسئله 415 آقای خوئی یک بحث از گذشته مطرح می‌کنند که فراموش کرده بودند توضیح بدهند. یک بحث هم جدید است.

بحث گذشته این است که قبلا فرمودند که متمتع طواف و سعی که کرد طیب بر او حلال می‌شود؛ نه با حلق و با تقصیر؛ با طواف و سعی.

منتها علامه در منتهی نقل شده گفتند نیاز به سعی نیست؛ همان طواف موجب حلیت طیب است.

کاشف اللثام گفته: نه؛ طواف و سعی لازم است برای حلیت طیب. ولی اگر نماز طواف را فراموش کرد یا جهلا ترک کرد، سعی صحیح بجا آورد قبل از نماز طواف و این در صورتی است که ترک نماز طواف عن جهل او نسیان بکند دیگه نیازی به نماز نیست. با همان سعی بعد از طواف طیب حلال می‌شود. بعدا نماز طوافش را قضاء کند. ربطی به بحث طیب ندارد.

آقای خوئی فرموده هر دو نظر خلاف روایات است.

درست هم می‌گوید ایشان؛ چون صحیحه معاویة بن عمار می‌گوید که اذا ذبح الرجل و حلق فقد احل من کل شیء احرم منه الا النساء و الطیب فاذا زار البیت و طاف و سعی بین الصفا و المروة فقد احل من کل شیء احرم منه الا النساء و اذا طاف طواف النساء فقد احل من کل شیء احرم منه الا الصید. حضرت فرمود اذا طاف و سعی احل من کل شیء الا النساء یعنی طیب با طواف و سعی حلال می‌شود نه به صرف طواف.

و اما نماز طواف:

آقای خوئی فرموده اولا: خود اذا طاف و سعی ظاهرش این است که طاف بما له من التوابع. صلاة طواف تابع طواف است. ان فیه صلاة؛ در طواف فریضة صلاة طواف هست. علاوه روایت صحیحه دیگری از معاویة بن عمار داریم که می‌گوید ثم طف بالبیت سبعة اشواط ثم صل عند مقام ابراهیم رکعتین ثم اخرج الی الصفا و طف بینهما سبعة اشواط فاذا فعلت ذلک فقد احللت من کل شیء احرمت منه الا النساء. حضرت فرمود اگر طواف حج بکنی، نماز طواف بخوانی، سعی بکنی همه چیز بر تو حلال می‌شود الا نساء. طواف نساء که کردی نساء هم حلال می‌شود. این معلوم می‌شود که طیب حلیتش متوقف بر نماز طواف است.

[سؤال: ... جواب:] بله دیگه. صحیحه معاویة بن عمار راجع به حج است. ثم طف بالبیت یعنی بعد از اعمال منی می‌گوید ثم طف بالبیت.

یک مطلبی آقای خوئی دارد آن خیلی لزومی نداشت که بیان بشود که سعی بدون نماز طواف باطل است. جناب آقای خوئی! کاشف اللثام که این را منکر نیست. بحثش در جایی است که جهلا او نسیانا نماز طواف را نخواند سعی کند. اینجا که سعی باطل نیست. در این فرض می‌خواهد بگوید طیب حلال می‌شود بدون این‌که نماز طواف بخواند. و الا عمدا که روشن است؛ سعی قبل از نماز طواف عالما عامدا معلوم است باطل است.

حالا چرا علامه فرمود طواف کافی است برای حلیت طیب؟ کاشف اللثام معلوم است چرا فرمود؟ چون فرمود روایت می‌گوید طاف و سعی؛ ندارد و صلی صلاة الطواف. که آن را جواب دادیم. علامه چرا می‌فرماید طواف تنها کافی است برای حلیت طیب؟

احتمالا دلیلش روایت منصور بن حازم هست: اذا کنت متمتعا فلاتقربنّ شیئا فیه صفرة حتی تطواف بالبیت. ندارد: و تسعی. دارد: فلاتقربن شیئا فیه صفرة حتی تطوف بالبیت. روایت مفضل بن عمر هم دارد که ثم تزور البیت فاذا فعلت ذلک احللت. بعد از طواف حلال می‌شود همه چیز. البته نساء استثناء شده؛ با طواف نساء حلال می‌شود. اما طیب اطلاقش می‌گوید حلال شده با طواف.

روایت مفضل بن عمر که سندا ضعیف است. میاح مدائنی نجاشی می‌گوید ضعیف جدا. و میاح مدائنی در سند این روایت مفضل است. علاوه ما من مطلق الا و قُیّد. نظیر ما من عام و الا و قد خص. این مطلق است؛ قید می‌خورد. صحیحه معاویة بن عمار می‌گوید: فاذا فعلت ذلک قید می‌زند: طفت و سعیت.

[سؤال: ... جواب:] نه؛ از توابع زیارة البیت است سعی بین صفا و مروه. اشکال ندارد. وقتی رفتی زیارة البیت سعی هم می‌کنی. ... ظاهرش این است که آن صحیحه معاویة بن عمار مقید روایت مفضل بن عمر است. علاوه بر این‌که تزور البیت شاید طواف النساء باشد که در روایات می‌گفت: طواف الزیارة به طواف النساء. و مؤیدش این است که فاذا فعلت ذلک احللت بقول مطلق که شامل نساء هم می‌شود. این تناسبش با این است که

[سؤال: ... جواب:] در روایت مفضل بن عمر دارد: تزور البیت فاذا فعلت ذلک احللت.

اما روایت منصور بن حازم ظاهرا تقطیع شده. نگاه کنید استبصار تهذیب نقل کرده این روایت منصور بن حازم را؛ می‌گوید حتی یطوف بالبیت و یسعی بین الصفا و المروة. تقیید شده؛ خود متن صحیحه منصور بن حازم مطلق نیست. و این ظاهرا تقطیع شده. در یکجا فقط آمده: حتی تطواف بالبیت. این تقطیع شده و روایت ناقص نقل شده. کاملش را عرض کردم.

یقع الکلام در این‌که آیا طواف نساء که سبب حلیت نساء است، حلیت جماع فقط متوقف بر طواف نساء است کما این‌که آقای خوئی فرموده. فرموده بقیه استمتاعات با حلق و تقصیر حلال می‌شود. فقط جماع حرام است تا قبل از طواف نساء. یا سائر استمتاعات هم حرام است قبل از طواف نساء.

تامل بفرمایید ان شاء الله روز شنبه.